

4). به عبارتی هیچ کالایی کمیاب نبود. اما موضوع این است که هرگز انسان به مرحله‌ای نمی‌رسد که همه نیازهایش در زمینه مصرف کالاها مرتفع شود.

برای تبیین روشن‌تر رابطه اقتصاد و کمیابی می‌توان این پرسش را مطرح کرد که اقتصاد چیست؟ اقتصاد مطالعه انتخاب‌هایی است که افراد و سازمانهای جامعه انجام می‌دهند. در نتیجه این انتخاب‌ها، منابعی که در دسترس افراد قرار دارد به یک یا چند گزینه تخصیص می‌یابد. به عنوان مثال، وقتی فردی بین استراحت (که برای او لذت بخش است) و کارکردن تصمیم می‌گیرد، یا وقتی یک تولیدکننده ترکیبی از نیروی کار و سرمایه را به کار می‌گیرد تا کالایی تولید و عرضه کند و یا دولت مالیاتی را از افراد می‌گیرد و خدماتی را ارائه می‌دهد، در همه جا مسئله انتخاب مطرح شده و به آن پاسخ داده شده است. نکته‌ای که بلافاصله به ذهن می‌رسد این است که موضوع انتخاب به این دلیل است که مسئله مهمی به نام کمیابی وجود دارد. حتی اگر فرض کنیم فردی ثروت و قدرت بسیار زیادی دارد و هر چه بخواهد می‌تواند در اختیار داشته باشد، باز هم در مورد تخصیص وقت کمیاب خود بین گزینه‌های مختلفی که پیشرو دارد باید انتخاب کند. علم اقتصاد، علم شناخت فرایندهای حاکم بر ساز و کار انتخاب‌هایی است که چگونگی تخصیص منابع کمیاب را مشخص می‌کند.

کلمه کمیابی دارای نزدیک‌ترین معنی به کلمه «محدود» یا «اقتصاد» است که در مقابل کلمه «نامحدود» و یا «آزاد» به کار می‌رود (سالواتوره، ۱۳۸۲، ص. ۱۰). کالاها کمیاب هستند زیرا منابعی که به کار گرفته می‌شوند تا آنها را تولید نمایند، دارای استفاده‌های دیگر نیز هستند. هنگامی که مبادله آزاد صورت می‌گیرد، قیمت‌ها، کالاها و خدمات کمیاب را تخصیص می‌دهند (موریس، ۱۳۸۴، ص. ۱۵). علم اقتصاد مطالعه چگونگی استفاده از منابع کمیاب جامعه به منظور تولید کالاهای با ارزش و توزیع آنها بین افراد مختلف است (ساموئلسون و هاوس، ۱۳۸۴، ص. ۷). درپشت این

## Scarcity

واژه کمیابی به وضعیتی اشاره دارد که منابع در دسترس، برای تولید محصول و تأمین تمامی خواسته‌ها کافی نیستند (فرهنگ، ۱۳۸۴، ۱۰۷۸). کمیابی مفهومی است بسیار مهم که از گذشته‌های دور مورد توجه اندیشمندان رشته‌های مختلف علمی از جمله علوم الهی و فلسفی، علوم تجربی و علوم انسانی و به ویژه علم اقتصاد بوده است. علمای علوم الهی با توجه به فلسفه خلقت بشر و سیر تکاملی بشریت کمیابی را در ارتباط با زمان، یعنی فرصتی که خداوند به هر انسان و جامعه انسانی برای زندگی در این جهان و سیر مراحل تکاملی خود عطا کرده، تعریف می‌کنند. علمای تجربی، مسائل زیست‌محیطی را موضوع اصلی کمیابی می‌دانند و معتقدند که با رشد جمعیت و پیشرفت فن‌آوری و صنعت، محیط زیست انسان از جهات مختلف رو به نابودی می‌رود و با این استدلال، آینده وحشتناکی را برای بشریت ترسیم می‌کنند (بیضایی، ۱۳۸۱، ص. ۵۵).

مهمترین موضوع علم اقتصاد، کمیابی است و بسیاری اقتصاد را «علم تخصیص بهینه منابع کمیاب» می‌دانند. اگر کمیابی نبود، علم اقتصاد نیز موضوعیت پیدا نمی‌کرد (Eatwell et al, 1988, P. 620). حتی گفته می‌شود اقتصاددانان فرزندان کمیابی هستند. کمیابی به این معنی است که امکانات (منابع) با خواسته‌ها برابر نمی‌باشد. مثلاً بودجه کشورها محدود (کمیاب) است درحالی‌که در هر کشور کارهای زیادی مثل ساختن مدرسه، بیمارستان، جاده و ... باید انجام گیرد، بنابراین با کمیابی منابع روبرو هستیم. اگر عوامل تولید (زمین، کار، سرمایه) محدود نبود این مسئله که چه کالاهایی، چگونه و برای چه کسانی باید تولید شود مطرح نمی‌شد. در این صورت از هر کالایی می‌توانستیم به مقدار دلخواه تولید کنیم و همه به کالاهای دلخواهشان به هر اندازه که می‌خواستند دسترسی داشتند (Mankiw, 1997, P. )

تعریف، دو نکته اساسی علم اقتصاد نهفته است. اول اینکه کالاهای و منابع اقتصادی محدودند و دیگر اینکه جامعه باید از منابع خود به طور کارا استفاده کند.

درباره کمیابی منابع اقتصادی دو نظر وجود دارد:

۱. برطرف شدن کمیابی به واسطه تلاش؛ منابع شناخته شده و آماده بهره‌برداری در هر زمان محدود است و در هر مقطع، برای رفع نیازهای بشر کافی نیست و برای رفع نیازها، باید از منابع شناخته شده و غیر آماده بهره گرفت و نیز باید این بهره‌گیری را به حد کمال رساند و از هر منبعی استفاده کامل کرد؛ همچنین باید در جستجوی منابعی بود، که تاکنون بشر به آنها دست نیافته و یا ناشناخته مانده‌اند و از طریق این راه‌ها کمیابی و محدودیت منابع را برطرف ساخت (قدیری، ۱۳۶۴، ص. ۷۸).

۲. برطرف نشدن کمیابی به واسطه تلاش؛ امکانات طبیعت (چه بالقوه و چه بالفعل) نسبت به نیازهای رو به رشد بشر، کافی نخواهد بود؛ زیرا امکانات طبیعت محدود است و بر آنها افزوده نشده، بلکه در اثر استفاده زیاد، روز به روز از توانایی طبیعت کاسته می‌شود (قانون بازده نزولی)؛ حال آنکه نیازهای بشر، روزافزون است و همواره بر نیازها و خواسته‌های انسان، در اثر پیشرفت فناوری و ارتقای سطح زندگی افزوده می‌شود. به علاوه، افزایش دایمی جمعیت بشر، نیازها را نیز بیشتر می‌کند (قدیری، ۱۳۶۴، ص. ۷۸). به نظر مالتوس در قرن هجدهم میلادی، در حالی که جمعیت، به طور تصاعد هندسی افزایش پیدا می‌کند، مثل (۲-۴-۸-۱۶-۳۲-۶۴...) و سایل امرار معاش، به طور تصاعد حسابی (۲-۴-۶-۸-۱۰-۱۲...) افزایش می‌یابد (نمازی، ۱۳۸۷: ۶۰). در مقابل تکثیر نفوس، وسایل معیشت، بر اثر کافی نبودن قابلیت تولید زمین و مکفی نبودن حاصل زراعت، به آن نسبت افزایش نمی‌یابد. در چنین شرایطی، هیچ راهی وجود ندارد، جز اینکه افزایش زاد و ولد با افزایش تولید مواد غذایی متناسب گردد. براساس نظر این دسته، زندگی بشر (با توجه

به افزایش جمعیت) آینده وحشتناکی دارد؛ دست کم، آینده مبهم و تاریک است. از این رو باید دست به کار کنترل رشد جمعیت شد و این رشد را محدود به حدی کرد که توانایی بشر و امکانات زمین، اجازه افزایش آنرا می‌دهد. این نظریه، آشکارا برخلاف برداشت‌های عمومی تعادل کلاسیک است. اگرچه مالتوس می‌کوشد طبیعت را در ایجاد تعادل، سهیم بداند و بلاهای طبیعی را مانند زلزله، سیل، بیماری‌های مسری و همچنین جنگ ابزار محدودکننده و مکانیسم تعادلی معرفی کند، با این حال، عوامل مذکور را برای ایجاد تعادل کافی ندانسته، اقدامات لازم برای جلوگیری از رشد جمعیت را پیشنهاد می‌کند. مالتوس برای جلوگیری از رشد جمعیت، سه نوع راه‌حل ارائه می‌دهد: ۱. منع یا فشار اخلاقی (عقب انداختن ازدواج‌ها)، ۲. کنترل جمعیت از طریق برنامه تنظیم خانواده و ۳- فقر و گرسنگی. وی دو راه حل اولی را «راه حل جلوگیری» و راه حل سومی را «راه حل مثبت» و مهم‌ترین عامل متوقف‌کننده افزایش جمعیت می‌داند. او در جواب این سوال، که «آیا واقعا اگر مردم بیشتری به کار روی زمین بپردازند و غذای بیشتری تولید کنند، نمی‌توان از فقر و گرسنگی جلوگیری کرد، پاسخ منفی می‌دهد؛ زیرا او معتقد است که قانون بازده نزولی عامل بازدارنده این قضیه است (تفضلی، ۱۳۷۲، صص. ۱۱۲۰-۱۱۸).

علاوه بر مالتوس برخی تحلیل‌گران دیگر نیز، پیش‌بینی‌های هشداردهنده‌ای در مورد نتایج جمعیت در حال رشد، سطوح ناسالم و در حال رشد آلودگی محیط زیست، محدودیت تولید کشاورزی و انرژی‌های فسیلی ارائه داده‌اند. از جمله پرسش‌هایی که مطرح شده، این است که آیا جوامع انسانی با توجه به برخی از منابع خاص و کمیابی آنها، در آینده نزدیک می‌توانند از بروز رنج‌ها و مرگ و میرهای فاجعه‌آمیز جلوگیری کنند؟ چنین بحث‌هایی که نخستین بار به وسیله میدوز (Meadows, 1972) مطرح شده بود، به وسیله رابرت سولو (Robert Solow) مورد بررسی قرار گرفت.

بیشتر است (نظری، ۱۳۸۶: ص. ۱۰). هرچه کمیابی بیشتر باشد، ضرورت علم اقتصاد و به‌کارگیری راه حل‌های آن بیشتر نمایان می‌شود.

### کمیابی انواع منابع اقتصادی

منابع را می‌توان نهاده‌هایی تعریف کرد که در تولید چیزهایی که ما خواستار آنیم به‌کار می‌روند. اگر این منابع، مولد باشند آنها را عوامل تولید می‌نامیم. عوامل تولید را می‌توان به شیوه‌های مختلف طبقه‌بندی کرد. یکی از انواع این طبقه‌بندی‌ها شامل منابع انسانی، طبیعی و مصنوعی است (می‌ریز و همکاران، ۱۳۸۱: صص. ۴-۲)

۱. منابع طبیعی شامل زمین و ذخائر معدنی است. در برخی زمین‌ها مقادیر بسیار عظیم محصول بدون افزودن کود بدست می‌آید؛ برخی دیگر در وضع طبیعی خاصیت باروری ندارند. امروزه منابع اقیانوس‌ها و مناطق منجمد قطب‌ها بیش از پیش مورد توجه قرار گرفته است.

۲. منابع انسانی (کار)؛ برای تولید چیزهایی که خواستار آنیم، یک منبع انسانی باید به کار گرفته شود. این منبع انسانی، عبارت است از سهم مولد «کار» عرضه‌شده کسانی که کار می‌کنند. هرگاه داوطلبان کار، دوره‌های کارآموزی را بگذرانند، سهم کار در تولید افزایش می‌یابد. آنگاه که منبع انسانی بدین‌گونه بهبود یابد، می‌گوییم سرمایه انسانی بهبود یافته است.

۳. منابع مصنوع (سرمایه)؛ وقتی برای کشت گندم کار روی زمین انجام می‌شود، عامل دیگری نیز به‌کار می‌رود. این عامل دیگر معمولاً تراکتور است. یعنی زمین و کار با منابع مصنوع ترکیب می‌شوند تا محصولاتی را که ما می‌خواهیم تولید کنند. این منابع مصنوع سرمایه نامیده می‌شود.

۴. منبع انسانی دیگر کارآفرینی است که شامل پذیرش خطر و احتمالاً از دست دادن مقادیر هنگفت در فعالیت جدید، ابداع شیوه‌های جدید برای تولید کالاها و به‌طور

چون منابعی که در مقایسه با تقاضا، کمیابند، دارای قیمت بالاتری هستند. به همین دلیل توسعه کالای جانشین و تغییر در الگوی زندگی، مشروط بر آنکه به‌نفع تولیدکنندگان خصوصی باشد، تشویق خواهد شد و در بسیاری از موارد کمیابی رشد زیادی نخواهد داشت. از جمله موردهای جالب تاریخی، مواد خام از قبیل قلع، مس و آهن هستند که فناوری‌های جدید و دستیابی به مواد جایگزین برای برخی از مصارف این فلزات باعث شده است که کاهش ذخیره آنها منجر به کمیابی شدید آنها نشود. سولو بحث می‌کند که قیمت منابع طبیعی در مقایسه با سایر کالاها، طی ۵۰ سال گذشته هیچ‌گونه روند فزاینده‌ای نداشته است. به عنوان مثالی دیگر اقتصاددانان، دست کم از زمان توماس مالتوس درباره کمیابی نسبی زمین کشاورزی به بحث پرداخته‌اند. اما نگرانی‌هایی که در قرن هجدهم در خصوص رشد جمعیت و کمبود مواد غذایی به دلیل کمیابی زمین قابل کشت وجود داشت امروز در کشورهای توسعه یافته دیده نمی‌شود (جمعی از نویسندگان، ۱۳۷۸، ص. ۱۱۵).

### تفاوت کمیابی و فقر

کمیابی با فقر متفاوت است. فقر به این معنی است که حداقل امکانات را در اختیار نداشته باشیم؛ ولی کمیابی در ارتباط با امکانات و خواسته‌ها است. بنابراین حتی ثروتمندترین کشورها و افراد هم با کمیابی روبرو هستند؛ زیرا هرچند امکانات زیادی در اختیار دارند؛ ولی نمی‌توانند به همه خواسته‌های خود دسترسی پیدا نمایند. اگر امکانات نامحدود بود، کمیابی از بین می‌رفت. انسانها طی قرون گذشته با اکتشافات و اختراعات خود به کمک رشته‌های مختلف علوم، امکانات و منابع در دسترس بشر را افزایش داده‌اند ولی کمیابی کاهش نیافته و حتی ممکن است افزایش نیز یافته باشد؛ زیرا خواسته‌های بشر نیز رشد کرده و حتی به‌نظر می‌رسد که رشد خواسته‌های بشر از رشد امکانات

کلی آزمون فکریهای تازه‌ای است که احتمالاً به سود مادی می‌انجامد. بدون وجود کارفرما هیچ سازمان اقتصادی قادر به فعالیت نیست. بی‌تردید کارفرمایی که یک منبع انسانی است، کمیاب می‌باشد؛ زیرا هرکسی حاضر به پذیرش خطر نیست و یا توانایی آن را ندارد که با موفقیت در امور مربوط به فعالیت اقتصادی تصمیم بگیرد.

#### کتابشناسی

بیضائی، سید ابراهیم (۱۳۸۱)؛ آشنایی با مفاهیم اقتصادی: کمیابی، مجله اقتصادی، سال اول، دوره دوم، ش ۱۰، ص ۵۵.  
تفضلی، فریدون؛ تاریخ عقاید اقتصادی، تهران، نی، ۱۳۷۲، چاپ اول، ص ۱۱۸-۱۲۰.

جمعی از نویسندگان؛ مجموعه مقالات اقتصاد خرد و کلان، احمد جعفری صمیمی و غلامعلی فرجادی، بابلسر، نشر دانشگاه مازندران، و ثقی، ۱۳۷۸، چاپ اول، ص ۱۱۵.

چ. موریس، ا. فیلیس؛ تحلیل اقتصادی نظریه و کاربرد اقتصاد خرد، اکبر کمیجانی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۴، چاپ نهم، ج ۱، ص ۱۵.

سالواتوره، دومینیک؛ اقتصاد خرد، حسن سبحانی، تهران، نی، ۱۳۸۲، ص ۱۰.

ساموئلسون، پل و هاوس، نورد؛ اصول علم اقتصاد، مرتضی محمدخان، تهران، علمی فرهنگی، ۱۳۸۴، چاپ اول، ج ۱، ص ۷.

فرهنگ، منوچهر؛ فرهنگ علوم اقتصادی، تهران، آسیم، ۱۳۸۴، ص ۱۰۸۷.  
قدیری اصلی، باقر؛ سیر اندیشه اقتصادی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۴، ص ۷۸.

می‌ریز، دنی و دیگران؛ دوره کامل علم اقتصاد، مهدی تقوی و عبدالله کوثری، تهران، کوهسار، ۱۳۸۱، چاپ دوم، ص ۲ تا ۴.

نظری، محسن؛ مبانی علم اقتصاد، تهران، نگاه دانش، ۱۳۸۶، چاپ اول، ص ۱۰.

نمازی، حسین؛ نظامهای اقتصادی، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۷، چاپ پنجم، ص ۶۰.

John Eatwell, Murray Milgate & Peter Newman, The new Palgrave a Dictionary of Economics. 1988.

Mankiw, N. Gregory (1997). Principles of Economics. South-Western Cengage Learning.

محسن نظری

عضو هیئت علمی دانشگاه تهران

